

بازی در قاب تاریخ؛ از امیرکبیر تا امام خمینی



بازیگرانی که فرصت ایفای نقش شخصیت‌های سیاسی را پیدا می‌کنند، آدم‌های خوش‌اقبالی هستند. معمولاً شخصیت‌های مطرح سیاسی در فیلم‌ها و سریال‌های تاریخی نمود پیدا می‌کنند که هزینه تولیدشان بسیار سنگین است.

بازیگرانی که فرصت ایفای نقش شخصیت‌های سیاسی را پیدا می‌کنند، آدم‌های خوش‌اقبالی هستند. معمولاً شخصیت‌های مطرح سیاسی در فیلم‌ها و سریال‌های تاریخی نمود پیدا می‌کنند که هزینه تولیدشان بسیار سنگین است. ساخت یک فیلم تاریخی و بانمایی بخشی از اتفاقات واقعی، مستلزم صرف هزینه‌های بالا و داشتن امکانات زیاد است. به همین خاطر است که پرونده فیلم‌ها و سریال‌های تاریخی به نسبت آثار گونه‌های دیگر خیلی پرحجم نیست. ساخت این‌گونه فیلم‌ها چند سال زمان می‌برد و در همه جنبه‌هایش - از چهره‌پردازی گرفته تا طراحی صحنه و انتخاب بازیگر - دقت و وسواس بیشتری را طلب می‌کند. اما از آن طرف، بازخورد فیلم‌های تاریخی نیز پرننگ و گسترده است.

این آثار با گنجاندن مایه‌های عاشقانه و ملودرام در داستان‌هایشان سعی دارند، هم مخاطب عام را راضی نگه دارند و هم کارشناسان تاریخ و سیاست را پای جعبه جادو بنشانند. به‌عنوان مثال، محمدرضا ورزی در سریال «171؛ سال‌های مشروطه» شخصیتی تاریخی به نام امینه را خلق کرد که زابیده تخیل خودش بود، اما بیان عشق پرسوز و گداز یکی از درباریان به امینه به قصه خشک این سریال اندکی جذابیت بخشید.

در کنار محدود بودن تعداد آثار تاریخی باید انگشت‌شمار بودن شخصیت‌های مشهور سیاسی در هر کار را هم در نظر گرفت. یک کار تاریخی، ده‌ها شخصیت واقعی دارد که فقط چندتایش را مردم می‌شناسند، مثلاً در سریال «171؛ مظفرنامه» فقط شخصیت‌های اصلی و محوری مثل مظفرالدین شاه (اکبر عبدی) و ناصرالدین شاه (محمد اهری) نزد مردم شهرت داشتند و دیگر شخصیت‌ها همچون عین‌الدوله، حاکم تهران (محمد ساربان) چندان شناخته شده نبودند. بینندگان تلویزیون نسبت به پادشاهان و وزرایشان و دیگر افرادی که نامشان در کتاب‌های درسی تاریخ آمده است، ذهنیت دارند و از دیدن این افراد در قاب تلویزیون و سینما استقبال می‌کنند. از آن طرف، بازیگران نیز تمایل بالایی به پذیرفتن نقش‌های مشهور دارند، چراکه با ایفای این نقش‌ها در معرض دید قرار می‌گیرند و میزان محبوبیت و شهرتشان بالا می‌رود.

وقتی نمی‌شود چیزی به نقش اضافه کرد

نام عبدالرضا اکبری با فیلم «171؛ فرزند صبح» ساخته بهروز افخمی بر سر زبان‌ها افتاد و عکس‌گرم شده‌اش در نقش حضرت امام خمینی(ره) بر صفحات بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات نشست.

در حالی که پیش از آن عبدالرضا اکبری، ایفاگر نقش‌های مکمل بود و در کارنامه‌اش نقش چندان مهم و تاثیرگذاری نداشت. این بازیگر ابتدا قرار بود نقش پدر حضرت امام را بازی کند، اما وقتی روی صندلی گرم نشست، متوجه شد قرار است نقش بنیانگذار جمهوری اسلامی را بازی کند.

او چندی پیش در مصاحبه‌ای به نکته جالبی درباره نقش‌آفرینی‌اش اشاره کرد. معمولاً بازیگران در ارائه یک نقش از خلاقیت خودشان استفاده می‌کنند و نقش را همچون یک مجسمه تراش می‌دهند تا به شکل دلخواهشان درآید، اما اکبری در مواجهه با یک نقش حساس و سرنوشت‌ساز نمی‌توانست چنین اقدامی انجام دهد. او در این باره گفت: برای نخستین بار بود که هیچ چیزی به نقش اضافه نکردم، چون به هیچ وجه نمی‌توانستم خودسرانه عمل کنم.

هرگونه حرکت اضافه یک بازیگر در چنین مواقعی می‌تواند تصور ذهنی مردم را برهم بزند. آن هم مردمی که روی یک شخصیت تاریخی خاص تعصب دارند و تمام جزئیات رفتاری‌اش را به یاد می‌آورند. بینندگان تلویزیونی شیوه راه رفتن، نحوه صحبت کردن و حتی نگاه‌های حضرت امام را در طول سال‌ها دیده‌اند و انتظار دارند بازیگر مورد نظر نیز به همان‌گونه رفتار کند. این حساسیت درباره شخصیت‌های معاصر که مردم زندگی‌شان را دنبال کرده‌اند، بیشتر می‌شود.

دشواری ایفای نقش شخصیت‌های معاصر

نقش‌هایی مثل ناصرالدین شاه، امیرکبیر، میرزا کوچک خان جنگلی، مدرس، رضاشاه و... را می‌توان در چارچوب‌های متنوع بازی کرد، ولی وقتی سخن از شخصیت‌های معاصر مثل حضرت امام خمینی(ره)، شهید رجایی، محمدرضا شاه، مصدق و... به میان می‌آید

ماموریت يك بازیگر سنگین‌تر و دشوارتر می‌شود.

به‌عنوان مثال، کورش تهامی که در سریال «#تبریز در مه» نقش عباس میرزا را بازی می‌کرد، این اجازه را داشت که استنباط شخصی خودش را در اجرای نقش لحاظ کند. او با مشورت کارگردان، نوعی ایستایی را در شخصیت این فرد نشان داد و سعی کرد عباس میرزا آدم شق و رقی به نظر برسد. مسلماً این جزئیات در صفحات تاریخ نیامده، ولی بازیگر با دانستن این نکته که عباس میرزا فرد مقتدری بوده و تلاش‌هایی برای آبادانی ایران انجام داده، می‌تواند به درکی کلی از کنش‌های نقش مورد نظر برسد.

محمد مطیع نیز در سریال سال‌های مشروطه از خلاقیتش کمک گرفت و چیزهایی به نقش اضافه کرد. او در گفت‌وگو با جام‌جم به این نکته اشاره کرد که واکنش خوشحالی اتابک از مرگ ناصرالدین شاه پیشنهاد خودش است.

مطیع در این‌باره گفت: آن قسمت و آن دیالوگ ایده خودم بود. اتابک پس از این که شاه می‌میرد، لبخند مودبانه‌ای می‌زند و می‌گوید: فاتحه یعنی همه چیز تمام شد، اینها در تاریخ نیست. این‌که اتابک می‌گوید من عاشق قدرت هستم و دوست دارم مرد درجه يك قدرت باشم هم در تاریخ نیست.

این بازیگر یکی از رکوردداران ایفای نقش‌های سیاسی محسوب می‌شود. میرزا آقاخان نوری (سریال امیرکبیر)، اردشیر رییوتر (عمارت فرنگی)، اتابک (سال‌های مشروطه) و میرزا ابوالقاسم فراهانی (تبریز در مه) از جمله نقش‌هایی است که توسط این بازیگر در قاب تصویر به ثبت رسیده است.

نکته جالب در کارنامه بازیگری او، پرهیز از ایفای شخصیت‌های مشابه است. مثلاً در سریال سال‌های مشروطه وقتی کارگردان از او خواست نقش میرزا آقاخان نوری را بازی کند به این درخواست پاسخ منفی داد، چون این نقش را يك بار دیگر بازی کرده بود. او در این‌باره توضیح داد: من به آقای ورزی گفتم يك بار هرچه داشته‌ام خرج این نقش کرده‌ام. نمی‌توانم از آن بهتر بازی کنم. چه لزومی دارد دوباره تکرارش کنم؟

زمانی برای تولد حاشیه‌ها

تجربه نقش‌های سیاسی همان اندازه که برای بازیگران حساسیت‌برانگیز است، برای کارگردان‌ها و فیلمسازان نیز مسئولیت سنگینی به شمار می‌رود. يك کارگردان باید بتواند اثرش را از گزند حاشیه‌ها دور نگه دارد و آن را صحیح و سالم به سرمنزل مقصود برساند. این‌که چه کسی قرار است چه نقشی بازی کند نقطه آغاز چالش‌ها و درگیری‌هاست.

در این رابطه بد نیست اتفاقات مربوط به سریال فرزند صبح را در ذهنمان مرور کنیم و به یاد آوریم که انتخاب هدیه تهرانی و محمدرضا شریفی‌نیا برای اجرای نقش‌های دایه و پسر حضرت امام تا چه اندازه بحران‌ساز شد. مساله بعدی به شخصیت‌پردازی مردان و زنان بزرگ تاریخ در آثار نمایشی برمی‌گردد. مسلماً هر کسی از ظن خود یار کارهای تاریخی می‌شود و می‌خواهد برداشت خودش از يك شخصیت مشهور را در کار ببیند. حال اگر شخصیت زیباتر یا پلیدتر از آن تصور ذهنی باشد، صدای مخالفت خیلی‌ها بلند می‌شود و کارگردان و نویسنده باید پاسخگوی همه این انتقادات باشند.

بعضی وقت‌ها نیز بحث بر سر نمایش دادن یا ندادن يك اتفاق است. مثلاً در مستند «#آخرین روزهای زمستان» وقتی بگومگوی شهید باقری و حاج احمد متوسلیمان در ماجرای فتح خرمشهر نمایش داده شد، عده‌ای گفتند این ماجرا به این شکل اتفاق نیفتاده و اگر هم اختلافی بوده اصلاً نباید نشان داده شود.

البته این واکنش‌های تند و تیز منحصر به سینما و تلویزیون خودمان نمی‌شود. در جاهای دیگر نیز وقتی زندگی شخصیتی تاریخی تصویر می‌شود، عده‌ای در صف موافقان و مخالفان قرار می‌گیرند، در این رابطه می‌توان به واکنش دیوید کامرون، نخست‌وزیر انگلیس اشاره کرد که از تولید و پخش فیلم «#بانوی آهنین» ابراز نارضایتی کرد. در این فیلم با بازی مریل استریپ، مارگارت تاچر يك پیرزن آسیب‌پذیر نشان داده شده است.

باوجود همه این مشقت‌ها، ساخت اثر درباره شخصیت‌های مشهور سیاسی آنقدر جذاب و هیجان‌انگیز است که کارگردان و بازیگر دشواری‌هایش را به جان بخرد.

شخصیت‌های سیاسی بعضاً بازیگران و کارگردان‌ها را به اوج شهرت و موفقیت می‌رسانند، شهرتی که رسیدن به آن در دیگر گونه‌های نمایشی براحتی قابل تحقق نیست.

